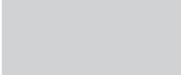
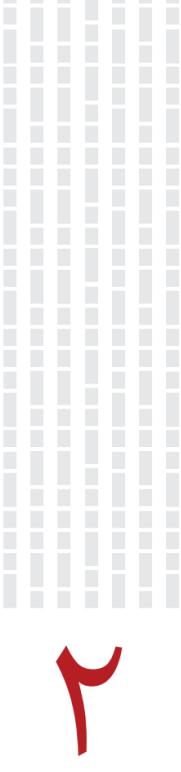
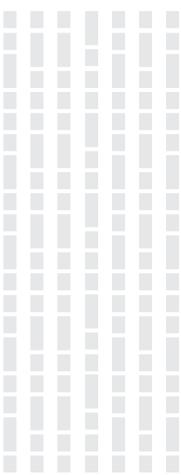


<div><div>📰</div><div><div>چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۲</div></div></div>
<div><div>📄</div><div><div>شماره ۳۹۸۴</div></div></div>
<div><div>🌐</div><div><div>www.fdn.ir</div></div></div>
<div><div>📡</div><div><div>FARHIKHTEGANDAILY</div></div></div>



جریان‌شناسی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در فلسطین و سرزمین‌های اشغالی

سرزمین تگثر و مقاومت



فاطمه بریمانی‌ورندی خبرنگارگروه نقد روز

قریب به دو هفته است که از جنگ دیرینه میان رژیم صهیونیستی و فلسطینیان می‌گذرد. از همان روزهای ابتدایی جنگ، ابتکار با حماس و محور مقاومت بود، آغاز و ادامه جنگ را آنها پیش‌بینی می‌کردند که در ادامه تهدیدات رژیم صهیونیستی برای ورود زمینی به غزه فشارها را بر محور مقاومت بیشتر کرد. اما این باعث نشد که ابتکار عمل جنگ از اختیار و اراده محور مقاومت خارج شود. بررسی آنچه این روزها میان گروه‌ها و احزاب مختلف اسرائیلی می‌گذرد و حتی گروه‌های مختلف فلسطینی در جای‌جای منطقه چه در مناطق اشغالی و چه در کرانه باختری و غزه یکی از سوالات جدی مخاطبان در روزهای اخیر است. رژیم صهیونیستی در یک‌سال گذشته روزهای ملتیی را گذرانده است و حالا در روزهای جنگ نیز وضعیت سیاسی این کشور با وجود ائتلاف انجام شده دچار چنددستگی است. همین موضوع آینده این رژیم و تحولات سیاسی آن را بعد از جنگ دچار برخی ابهامات کرده است. به همین منظور با سهیل کثیری‌نژاد، کارشناس مسائل اسرائیل گفت‌وگو کردیم تا از وضعیت گروه‌های مختلف فلسطینی باخبر شویم و اتفاقات سیاسی و نظامی درونی غزه، مناطق اشغالی و کرانه باختری را بررسی کنیم.

■ ■ ■

فلسطین چندپاره

برای تحلیل درست از یک اتفاق باید زمینه وقوع آن را بررسی کرد. برای فهم دقیق از اتفاقات اخیر فلسطین و تحلیل واکنش‌های ساکنان این کشور باید اطلاعاتی نسبت به گروه‌های مختلف ساکن در آن را بدانیم. سهیل کثیری‌نژاد ناظر به مطالعات تاریخی که داشته است، این‌طور می‌گوید: «به‌صورت‌کلی گروه‌های داخل غزه را می‌توانیم به سه دسته تقسیم کنیم. دسته اول گروه‌های مقاومت هستند که گروه‌های شاخص آنها حماس، جنبش جهاد اسلامی و گردان‌های ابوعلی مصطفی و چند گردان دیگر است. این گروه‌ها و دسته‌ها در غزه در اکثریت مطلق هستند، اختیارات لازم را دارند و از حمایت مردمی نیز برخوردارند، البته در کرانه باختری، به‌واسطه حکومتی که در اختیار دارند، قدرت و نفوذ دارند. حدود دو دهه گذشته و در سال‌های اخیر این گروه‌ها شکل و تشکیلات بهتری پیدا کردند. اتاق مشترکی تشکیل دادند که در آن حدود ۱۸ گروه مقاومت حاضرند و با یکدیگر هماهنگ می‌شوند. عمده فعالیت این ۱۸ گروه در غزه است، در کرانه باختری هم نفوذ و قدرت دارند اما عمده قدرت‌شان در غزه اعمال می‌شود. در این اتاق جنگ فعالیت‌های نظامی، امنیتی و اطلاعاتی گروه‌های مقاومت با هماهنگی یکدیگر انجام می‌شود. جریان دوم که اکثریت نیستند اما حضور پررنگی دارند، جریانی با گرایش‌های ناسیونالیستی است که این جریان‌ها در کل فلسطین عمدتاً در کرانه باختری مستقرند اما حامیانی هم در نوار غزه دارند. در غزه با اینکه تصمیم‌گیر و اثرگذار نیستند، اما در صحنه حاضرند و نظرات‌شان را مطرح می‌کنند. جریان سومی هم وجود دارد که ظهور و بروز زیادی ندارند. این جریان بازمانده از گروه‌های تکفیری و سلفی‌ها. اما به‌شدت تحت کنترل حماس بوده و فرصت تحرک زیادی ندارد. به همین منظور جریان موثری نیستند.»

البته قدرت در میان این سه جریان به‌صورت مساوی تقسیم نشده و حتی از منظر اقبال مردمی هم با یکدیگر متفاوتند. «با توجه به ارزیابی‌های صورت گرفته در نوار غزه، اکثریت مطلق با گروه‌های مقاومت است. حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد از مردم از ۱۸ گروه مقاومت حمایت می‌کنند، اما در همین میان گروه‌های تکفیری در اقلیت محض هستند. در سال‌های ۲۰۱۸ تعدادی رشد داشتند که حماس آنها را سرکوب کرد و موجب شد در فلسطین فعلی دیگر جایگاهی نداشته باشند.»

گروه‌های مقاومت که تنها شاخه نظامی ندارند

این روزها با درگیری گروه‌های مقاومت متعدد در فلسطین این تصور تدامی می‌شود که شاید این گروه‌ها تنها در برهه‌های حساس امنیتی و نظامی یا موسم جنگ کنشگر هستند یا زمانی که درگیری وجود ندارد، اینها با تحریک اسرائیل به دنبال نوعی کنشگری می‌گردند. اما مساله به‌گونه دیگری است. در رابطه با شاخه‌های متفاوت این گروه‌ها، کثیری‌نژاد می‌گوید: «فعالیت‌های گروه‌های مقاومت خیلی گسترده است. آنها اکثراً گروه‌های سیاسی هستند که یک شاخه نظامی دارند. مثلاً گروه حماس شاخه نظامی‌اش «عزالدین القسام» است. گروه جهاد اسلامی شاخه نظامی‌اش «سرایا القدس» است. کمیته‌های مردمی مقاومت، گروه‌های نظامی‌اش می‌شود «تیپ‌های ناصر صلاح‌الدین» یا مثلاً جبهه دمکراتیک آزادی بخش فلسطین، شاخه نظامی‌اش گردان‌های «ابوعلی مصطفی» است. هر کدام برای خودشان یک شاخه نظامی دارند و یک شاخه سیاسی است که آن رهبریت و تمرکز سیاسی را برعهده دارد. در کنار این فعالیت‌ها یکی از مهم‌ترین شاخه‌هایشان، شاخه‌های خیریه و حمایتی است. خانواده‌های محرم، شهدا و امثالهم را حمایت می‌کنند؛ بعضاً به اینها کمک‌های اقتصادی می‌کنند. از دیگر شاخه‌های این گروه‌ها، شاخه فرهنگی است. این گروه‌ها در زمینه فرهنگی فعالیت گسترده دارند. برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در غزه و تا حدودی در کرانه باختری برگزار می‌کنند. از موثرترین شاخه‌های فعالیتی، رسانه‌است. معمولاً برای خودشان شاخه رسانه‌ای دارند. رسانه‌ای که به‌عنوان پایگاه خبری اخبار مربوط به آنها را پوشش می‌دهند. حالا برخی از این گروه‌ها که قوی‌ترند، شبکه تلویزیونی خاص خود را دارند، برخی هم در حد سایت، خبرگزاری و مجلات فعال هستند.»

همه فلسطینیان بر مقاومت اتفاق نظر دارند

ما تفکیکی از گروه‌های فلسطینی داشته‌ایم. گروه‌های متفاوت در بسترهای متعددی زندگی کرده و همین موجب بروز دیدگاه‌های نزدیک یا دور از همدیگر می‌شود، اما همه آنها روی راهکارهای نظامی اتفاق نظر دارند و آن را نفی نمی‌کنند، کثیری‌نژاد این‌طور تحلیل می‌کند: «این گروه‌ها یک نقطه اشتراک دارند، همه آنها قائل به این هستند که اسرائیل اشغالگر است و آن را به رسمیت نمی‌شناسند. راهکار مشکلی که الان وجود دارد را اولاً حذف اسرائیل می‌دانند و این راهکار با استفاده از ابزارهای مختلف می‌تواند اجرا شود که از جمله آن ابزارها، ابزارهای نظامی است. ایدئولوژی کلی آنها در رابطه با حل مساله اسرائیل و فلسطین حذف اسرائیل است.

در مقابل‌شان گروه‌های ناسیونالیستی که در سال‌های اخیر اغلب گرایش‌های سازش پیدا کرده‌اند، نگاه متفاوتی دارند. آنها می‌گویند اسرائیل را به رسمیت بشناسیم و در کنار آن تلاش کنیم که کشور فلسطین را ارتقا دهیم. در این دیدگاه، راهکارهای سیاسی در آن بیشتر به چشم می‌آید؛ هرچند راهکارهای نظامی را هم نفی نمی‌کنند. البته جریان ناسیونالیستی عمدتاً تمرکزشان در کرانه است که تشکیلات خودگردان و جنبش فتح چهره پیشتاز و فاخرشان است. اما این گروه‌های ناسیونالیستی در غزه هم تبلیغات می‌کنند و فعالیت دارند. نظر گروه‌های تکفیری هم این است که همه گروه‌های فلسطینی باطلند و تنها خودشان بر حق هستند. عقیده‌شان هم این است با دشمنی که در مجاورتش قرار داریم، بجنگیم؛ حالا این دشمن بخش عمده‌اش حماس و سایر گروه‌های مقاومت است یعنی با خود گروه‌های مقاومت درگیرند و جنگ دارند. بخشی از آن هم اسرائیلی‌ها هستند که باز چون در کنار آنها زندگی می‌کنند، دشمن نزدیک محسوب می‌شوند. هرچایی هم که احساس نیاز کنند مثلاً مقطعی که داعش در سوریه فعالیت داشت، مهاجرت می‌کنند. این تکفیری‌ها هم عمدتاً دو گروه هستند که یک دسته‌شان با القاعده بیعت کرده و دسته دوم با داعش بیعت کردند و حالا هر دو این گروه‌ها به انزوا رفتند.»

بعد از جنگ، انتخابات حساسی در اسرائیل در پیش است

برخی رسانه‌ها با تحلیل اوضاع این روزهای اسرائیل و نتانیاو بر این باورند که با تمام شدن جنگ، ما شاهد پایان حیات سیاسی نتانیاو خواهیم بود. اصلاحات قضایی که در پی آن اختیارات نتانیاو رو به فزونی بوده یا موجی از ناراضایی همراه بود. اما حالا با آشفتنگی اوضاع این رژیم، ائتلافی میان گروه‌ها و احزاب متعددی صورت گرفته است. کثیری‌نژاد این اتفاق و اصلاحات قضایی را این‌طور مطرح می‌کند: «ما اگر به دوره‌های قبل‌تر برگردیم از سال‌های ۲۰۰۰ به بعد، درگیری و تنش میان دو جریان چپ‌گرا و راست‌گرا زیاد بوده است. از سال‌های ۲۰۰۰ به بعد عمدتاً دولت‌ها راست‌گرا بودند، جز مقطع خیلی کوتاهی که دولت‌های چپ‌گرا آن‌هم به‌عنوان دولت‌های موقت. روی کار بودند، باقی همه راست‌گرا بودند و چپ‌گراها با آنها مشکل داشتند. ولی از سال ۲۰۱۸ به این طرف عملاً جریان چپ‌گرا تضعیف شد. مخصوصاً در این شرایط کبستی که الان هستند، جریان چپ‌گرا جز در پنج یا شش کرسی عملاً حذف شده و به جای آن جریان میانه‌رو آمده است. مشکلی که تا قبل از این جریانات وجود داشت عمدتاً اختلاف میان میانه‌روها (بعضاً با پیوند با چپ‌گراها) در یک طرف و در طرف دیگر با احزابی که الان با نتانیاو وارد ائتلاف شدند، بود. چهار حزب با نتانیاو ائتلاف دارند. چهار حزب با لیکود ائتلاف کرده و مساله اصلاحات قضایی را هم با این حزب پیگیری می‌کنند یعنی درگیری اپوزیسیون در اصلاحات قضایی با لیکود است. جریان‌های دیگر کار خاصی با اصلاحات قضایی ندارند. برای اهداف خودشان از نتانیاو امتیازهایی گرفتند و به این منظور با او ائتلاف کردند و در اصلاحات همراه شدند. مثلاً جریان صهیونیسم مذهبی عمده علاقه‌اش بر کرانه باختری بوده که امتیازات خوبی هم گرفته است. بودجه و وزارتخانه را گرفته و شهرک‌سازی و مجوزها را تغییر داده است. شرایط را به نفع خودش کرده و با امتیازاتی که از نتانیاو گرفته‌اند در رای دهی به اصلاحات قضایی نیز ظرف او ایستادند. جریان‌های مذهبی هم سرنوشتی مشابه داشتند. آنها هم بودجه مدارس مذهبی را چند برابر کردند و امتیازی که در قبال آن به نتانیاو دادند، تأیید اصلاحات بود.»

اختلافات جدی در میان احزاب اسرائیلی

اما با این ائتلاف‌های صورت گرفته و مساله اصلاحات قضایی که در پی آن اختیارات نتانیاو افزایش یافت، معادلات سیاسی تا حدی تغییر پیدا کرد. برخی وزرای حزب لیکود تصمیم به استعفا دارند و رفته‌رفته اختلاف میان اعضای احزاب با یکدیگر بیشتر می‌شود. به همین جهت از محبوبیت حزب لیکود کاسته می‌شود و این امر انتخابات را دچار تکانه‌های جدی می‌کند. کثیری‌نژاد می‌گوید: «اتفاقی که بعد از جنگ رخ داد، این است که جریان چپ‌گرا که همیشه به‌شدت مخالف بوده، الان هم مخالف است و اقدامات اسرائیل را سرکوب می‌کند. نکته بعدی اینکه اعضای جریان میانه‌علی‌رغم تلاش‌های زیادی که برای تشکیل این دولت ملی شد، به این کابینه نپیوسته‌اند و ادعا کرده‌اند منافع ملی اسرائیل این‌طور تأمین نمی‌شود. فقط گانس حاضر شده به این کابینه بپیاید. از طرفی احزابی را که با نتانیاو در ائتلاف بوده‌اند، راه نداده. الان اختلاف‌ها در داخل جریان ائتلاف حتی اوج گرفته و از آن بدتر اخباری است که در هفته دوم جنگ داده، ضمناً درون لیکود هم اختلاف زیاد شده است. اکنون یکی از وزرای لیکود استعفا داده و احتمال دارد که یکی دو وزیر دیگر نیز استعفا دهند. از طرفی خود لیکود ممکن است حداقل به دو جریان تقسیم شود. آخرین نظرسنجی نشان می‌دهد که حزب لیکود محبوبیتش را از دست داده و بعد از جنگ به ۱۹ کرسی رسیده و این درحالی است که در ابتدای دولتش بالای ۳۰ کرسی داشته است. اگر جنگ تمام شود، در انتخابات بعدی چیزی که مسلم است این است که لیکود حزب برتر نیست و توان تشکیل دولت را از دست می‌دهد.»

هیچ صدای مخالفی برای تحت‌فشار گذاشتن حماس وجود ندارد

البته فارغ از خواست سیاستمداران اسرائیلی ما با یک بدنه مردمی از رژیم صهیونیستی مواجه هستیم که آنها مورد حمله گروه‌های مقاومت قرار گرفته‌اند. خانواده‌های مختلفی که در این درگیری‌ها شاهد تلفات بسیاری هستند. نگرش آنها نسبت به تصمیم‌گیری‌های رژیم اسرائیل تا حدودی قابل پیش‌بینی است. کثیری‌نژاد در این باره می‌گوید: «خود اسرائیلی‌ها اعتراضات‌شان خیلی زیاد شده است؛ مخصوصاً از جانب خانواده کشته‌شده‌ها و مجروحان این درگیری. این خانواده‌ها خیلی انتقاد می‌کنند. کسانی که از قبل هم مخالف بوده‌اند، انتقادات‌شان بیشتر شده است. این‌طور حساب کنید، محبوبیت نتانیاو بسیار کم شده و با توجه به نظرسنجی‌ها نتانیاو ۷۰ درصد از محبوبیت خود را از دست داده است، به همین دلیل سعی می‌کنند در این درگیری‌ها حداقل بتوانند امتیاز نظامی کسب کنند که با آن مذاکره کنند.»

اما نظر فلسطینیان متفاوت از این موضوع است. با توجه به عملیات حماس و بمباران غزه گروه‌های متفاوت فلسطینی نظرات متعددی داشته‌اند. کثیری‌نژاد در رابطه با نظر هر گروه این‌گونه می‌گوید: «گروه‌های تکفیری که هیچ‌وقت در کارشان عقلانیت نداشته و ندارند. در گذشته

هم این‌طور بوده، چه در مبارزه با اسرائیل و چه در مبارزه با حماس و گروه‌های مقاومت عقلانیت و همبستگی نداشتند. جریانات دیگر یعنی ناسیونالیستی و محور مقاومت، به اتفاق نظر رسیده‌اند. تشکیلات خودگردان جریانات ناسیونالیستی در چندسال اخیر تضعیف شده و در کرانه باختری این ضعف موجب ایجاد خلأ‌قدرت در این منطقه شده. تشکیلات خودگردان درحالی نابودی است و اگر قدرتی بخواهد جایگزین شود، احتمالاً حماس است و حماس باید این خلأ‌قدرت را پر کند. عملاً قدرت در دست محور مقاومت است و گروه‌های آن همگی در این جنگ هم‌نظرند و اتفاق نظر دارند. همه آنها با یکدیگر عملیات می‌کنند. البته مقطع اول عملیات تنها از جانب حماس صورت گرفته و رد پایی از سایر گروه‌های مقاومت در عملیات‌های ابتدایی وجود ندارد. اما در ادامه تمام گروه‌ها درکنار هم به عملیات می‌پردازند و هم‌نظر هستند. در همان یکی دو ساعت اول همه گروه‌ها آمدند و حمایت کردند؛ هم حمایت سیاسی و بیانیه‌ای و هم حمایت میدانی و نظامی داشتند. مخصوصاً جهاد اسلامی با شاخه نظامی‌اش که گردان «سرایاالقدس» بودند، در عملیات یکی از پایگاه‌های زرهی اسرائیل را تخلیه کردند و اینکه این اتاق مشترک گروه‌های مقاومت کاملاً به آن پختگی رسیده و با هماهنگی همدیگر این جنگ را پیش خواهند برد. در ۱۰ روز گذشته هیچ نظاهرات یا صدای مخالفی در غزه نداشتیم که بخواهد حماس را تحت‌فشار قرار دهد و مقاومتی راه بیندازند و بخواهد که حماس از این کار دست بردارد. اتفاقاً دقیقاً برعکس همه همراه حماس بودند. با وجود اینکه مردم عزیزان‌شان را از دست می‌دادند، باز هم اصرار داشتند لازم است تا مقاومت صورت گیرد و اسرائیل را غاصب و خائن می‌دانند. این نشان می‌دهد که محور مقاومت پشته‌نانه مردمی قوی‌ای دارد.»

اختلافات مبنی بر ورود یا عدم ورود زمینی به غزه

از روزهای ابتدایی جنگ، اسرائیلی‌ها با حمله زمینی به غزه تهدیدات خود را مطرح می‌کردند. در این خصوص هیچ گونه اتفاق نظری میان سیاستمداران و نظامیان این رژیم وجود ندارد و کثیری‌نژاد درباره احتمال حمله زمینی می‌گوید: «بحث ورود زمینی که ارتش اسرائیل بخواهد داشته باشد، دچار اختلاف نظر شدید میان نظامیان و سیاسیون هستند. نظامیان معتقدند که ورود زمینی حتماً باید هدفمند باشد و نیروها به آن برسند و بزرگند اما مقامات سیاسی نتوانستند برای آنها هدف نظامی مشخصی تعیین کنند. به همین دلیل سردرگمی از همان ساعات اول بوده و هنوز هم وجود دارد به خاطر همین اسرائیلی‌ها در ورود زمینی تعلل می‌کنند. بخشی از آن هم سابقه تلخی است که مخصوصاً نیروهای زرهی اسرائیلی از ورود زمینی به غزه داشته‌اند. کشته‌های بسیار زیادی برایشان در بر خواهد داشت. آخرین بار سال ۲۰۱۴ بود که در یکی از عملیات‌های زمینی به‌صورت گسترده وارد غزه شدند و حالا با گذشت ۹ سال دیگر هیچ‌وقت این جرات را نداشتند. همان موقع ماجرای نبرد شجاعیه- که یکی از محله‌های شرقی غزه است- مطرح بود که اسرائیلی‌ها کشته‌های بسیاری داشتند. باز در محله الخزاعه که جنوب شرقی غزه است دچار همین مشکل شدند. این است که از غافلگیری که محور مقاومت در جنگ زمینی برایشان آماده کرده خیلی ترس دارند، به همین جهت برای ورود زمینی تعلل می‌کنند.»

دست بالاتر حماس در جنگ ۷ اکتبر

مساله جالب و نکته متفاوت این جنگ با سایر درگیری‌های میان مقاومت و اسرائیلی‌ها، دست بالاتر حماس در این جنگ است. کثیری‌نژاد در این رابطه می‌گوید: «از نظر نظامی از همان اول ابتکار عمل در دست نیروهای مقاومت بود، هنوز هم این را حفظ کرده‌اند. برخلاف باقی جنگ‌های اسرائیل مثلاً ۱۹۷۳ یا ۱۹۶۷ در این جنگ با چیز متفاوت‌تری مواجه شده‌اند، مثلاً در ۱۹۷۳ اول اسرائیل غافلگیر شد و بعد خیلی سریع ابتکار عمل را در دست گرفت و عملاً مصر و اردن را مجبور به صلح کرد. اما اینجا از همان لحظه اول ابتکار عمل در دست نیروهای مقاومت بود. مزیت اسرائیلی‌ها همیشه نیروی هوایی بود و مزیت محور مقاومت نیروی زمینی. در جنگ‌های قبلی اسرائیلی‌ها تعیین می‌کردند که جنگ باید به‌صورت موشکی یا هوایی باشد. طبیعتاً محور مقاومت مزیتی نداشت اما در این جنگ نیروهای مقاومت جنگ کردند و تعیین کردند که جنگ باید زمینی باشد و ۱۳۰۰ کشته‌ای که اسرائیلی‌ها دادند، از جهت همین جنگ زمینی بوده و تلفات موشکی اسرائیلی‌ها چشمگیر نبوده و در حد چند نفر بوده و این ابتکار هنوز هم هست و محور مقاومت تصمیم می‌گیرد که کی و کجا و چگونه حمله کند، حتی برای حامیان اسرائیل هم تعیین تکلیف می‌کنند. مثلاً می‌گویند اگر آمریکا بخواهد فلان عملکرد را داشته باشد، ما از فلان جبهه حمله می‌کنیم یا اگر مثلاً اسرائیلی‌ها بخواهند ورود زمینی به غزه داشته باشند، ما از فلان محل ورود پیدا می‌کنیم. ابتکار عمل و در دست گرفتن این مدیریت صحنه جنگ از ویژگی‌های جنگ اخیر است.»

پایان‌بندی متفاوت برای جنگ اسرائیل و فلسطین

با توجه به تلفات سنگین اسرائیلی‌ها و درگیری‌ها و تفاوت‌نظراتی که درون احزاب سیاسی‌شان دارند، پایان این جنگ هرچه زودتر رقم خواهد خورد؛ چراکه ادامه آن به نفع اسرائیل و چهره آن که سال‌ها برای بازسازی‌اش تلاش کرده، نخواهد بود. کثیری‌نژاد درباره پایان جنگ می‌گوید: «برای پایان‌بندی این جنگ چند سناریو متصورند که برخی ضعیف‌تر و برخی قوی‌ترند. البته سیر تحولات هم روی آن اثر می‌گذارند. فعلاً چند سناریویی که وجود دارد این است که احتمالاً برخلاف آن چیزی که از روز دوم جنگ ادعا کرده‌اند، فعلاً ورود جدی نخواهند کرد و محور مقاومت از سایر جبهه‌ها، سوریه و لبنان و کرانه باختری، آمریکا را از ورود به این جنگ باز می‌دارند. از آن طرف نیروهای اسرائیلی به دلیل فشارهای درونی که وجود دارد، احتمال اینکه عملیات زمینی انجام دهند هست اما مطلوبیت و تلاش‌شان را گذاشته‌اند بر اینکه به آتش‌بس برسند. مخصوصاً با وساطت فرانسه و از طرف محور مقاومت هم با وساطت ایران به توافق برسند که آتش‌بس اتفاق بیفتد و سراغ امتیاز گرفتن بروند. البته امتیاز خاصی هم نمی‌توانند بگیرند و باید سراغ مذاکره بروند. اینکه با اسرا چه کنند و… از سناریوهایی است که ظرف چند روز آینده آتش‌بس موقتی داریم و برای مذاکره آماده می‌شوند.» هرچند آتش‌بس برای بسیاری از خانواده‌ها چه فلسطینی و چه اسرائیلی وضعیت مناسبی را رقم خواهد زد اما اینکه تمامی گروه‌های فلسطینی بر سر غاصب و خائن بودن اسرائیل متفق‌القول هستند، حاکی از شرایطی است که طبق آن باید مذاکرات جدی‌تر صورت گیرد و دیگر نمی‌توان به وضع گذشته ادامه داد.

